پیوند کمیابی و دوران فراوانی

سیدجواد جمالی
کارشناس اقتصاد

دانشجویی را تصور کنید که استادش سه ماه به او فرصت داده است تا روی موضوعی کار تحقیقاتی انجام دهد و در انتهای ماه سوم نتیجه تحقیقات خود را تحت عنوان یک مقاله ارائه دهد. این دانشجو بر این باور است که سه ماه زمان طولانی‌ای برای انجام این کار تحقیقاتی است. به‌همین‌دلیل روزها و هفته‌ها را به علت تعلل و بی‌ملاحظگی از دست می‌دهد. ناگهان در دو هفته پایانی فرصت تعیین‌شده، تصمیم می‌گیرد مطالعه تحقیقاتی خود را به سرانجام برساند. متأسفانه دیگر دیر شده است، دانشجو نتوانست قدر و ارزش روزهای سپری‌شده را به حد کافی و شایسته درک کند، ازاین‌رو از عهده ارائه مقاله ناتوان خواهد بود. دلیل درماندگی او در تهیه یک مقاله علمی قابل‌قبول، بازمی‌گردد به زمانی که او با بی‌مبالاتی فرصت زیادی را که در اختیار داشت، بدون استفاده صحیح از دست داد. فرد دیگری را در نظر بگیرید که یک هفته به سفری تفریحی می‌رود، او در شش روز اول سفر، در محل اقامت خود می‌ماند و صرفا می‌خوابد یا استراحت می‌کند. سپس در روز آخر سفر تصمیم می‌گیرد از تمام نقاط زیبا و جذاب بازدید کند. او موفق نخواهد شد از تمام اماکن دیدنی سفر دیدار کند و باید خود را بابت اوقات فراوانی که با بی‌احتیاطی از دست داده است، سرزنش کند.

معمولا کشاورزان زمان زیادی را صرف کاشت و مراقبت از محصولات کشاورزی خود می‌کنند. سپس در یک دوره زمانی کوتاه نتیجه و ثمره تلاش و زحمت خود را برداشت می‌کنند. به عبارتی فصل برداشت محصول دوره کوتاهی است. در این مقطع زمانی، کشاورزان پول و عایدی مناسبی را کسب می‌کنند که ماحصل مدت‌ها تلاش آنها بوده است. سندهیل مولاینتین، نویسنده هندی کتاب فقر احمق می‌کند، بیان می‌دارد در هند عموما کشاورزان در ماه‌های نزدیک به فصل برداشت، بیشتر جشن و میهمانی برگزار می‌کنند، بیشتر به‌دنبال خوشگذرانی هستند و میزان کمی از درآمد حاصل از فروش محصولات را برای آینده و ادامه سال پس‌انداز می‌کنند. بدین سبب هر قدر از زمان فصل برداشت فاصله می‌گیرند، سختی‌ها و تنگناهای زندگی بیشتر آنها را احاطه می‌کند.

در تمامی موارد ذکرشده، افراد در اثر بی‌خردی و بی‌تدبیری در دام کمیابی گرفتار شده‌اند. بذر دام کمیابی در دوره‌ای کاشته می‌شود که حداقل فراوانی نسبی وجود داشته است. دانشجویی که سراسیمه و در یک زمان محدود، می‌خواهد مقاله تحقیقاتی خود را به پایان برساند باید افسوس فرصت‌های گران‌بها و باارزشی را بخورد که با نادانی و نابخردی هدر داده است. آن گردشگر نیز که در انتهای سفر می‌خواهد همه از اماکن دیدنی بازدید کند ولی موفق نمی‌شود، باید خود را بازخواست کند. ریشه نداشتن زمان کافی و کمیابی زمانی، مرتبط است با وقتی که فرد با فراوانی زمان مواجه بوده ولی از آن به‌صورت بهینه استفاده نکرده است. کشاورزی که در فصل برداشت یکباره پول هنگفتی دریافت می‌کند، درواقع درحال ورود به چرخه‌ای مشابه از فراوانی اولیه است که به کمیابی ختم می‌شود.

آنچه در همه نمونه‌های ذکرشده مشترک است، مدیریت غلط و ناکارآمد در زمان فراوانی است که منجر به بروز کمیابی و بحران می‌شود. در زندگی بسیاری از افراد داستان‌های متعددی از کمیابی می‌توان یافت که نشئت‌گرفته از جهالت و نادانی در دوران کثرت و فراوانی است. فرد کهن‌سالی که عرصه جوانی را بدون هیچ‌گونه توشه و اندوخته‌ای سپری کرده است، حال در زمان پیری باید حسرت ایامی را ببرد که بر اثر غفلت از فراوانی نعمت آن روزگار، بهره کافی را نبرده است.

در مباحث اقتصادی نیز می‌توان موارد مشابه‌ای از رابطه کمیابی و فراوانی را مشاهده کرد. اقصانقاط کره زمین سرشار است از نعمت‌ها و ثروت‌های خدادادی، حال برخی از کشورها از این ثروت‌ها به‌صورت شایسته و کارآمد استفاده می‌کنند و زمینه را برای رشد توسعه اقتصاد خود هموار می‌کنند و برخی خیر. کشور نروژ نمونه بارز این قضیه است، کشوری که با تدبیر و دوراندیشی، درآمد نفتی خود را به‌خوبی مدیریت کرده و هم‌اکنون صندوق ارزی آن کشور قریب به ۱۴۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی در اختیار دارد. همچنین برخی کشورهای حوزه خلیج فارس با پیمودن مسیری مشابه، فراوانی ناشی از ثروت‌های طبیعی را به‌صورت مطلوب اداره کرده‌اند. از سوی دیگر می‌توان مصادیقی را نام برد که با وجود داشتن منابع طبیعی فراوان، هرگز قادر نبوده‌اند به‌گونه‌ای شایسته از آن منابع بهره‌مند شوند. براساس رتبه‌بندی‌های اعلامی توسط نشریات معتبر بین‌المللی، عراق، ونزوئلا، جمهوری کنگو، لیبی، زامبیا و... بالاترین میزان سرانه ثروت‌های خدادادی را در اختیار دارند، آنها هیچ‌گاه نخواسته یا نتوانسته‌اند از فراوانی ثروتی که در اختیار داشتند، به نحوی مناسب بهره‌مند شوند. اکنون این کشورها با بحران‌ها و کمبودهای قابل‌ملاحظه‌ای مواجه هستند. ریشه اصلی این کمبودها را باید در عدم مدیریت صحیح ثروت‌های فراوانی دانست که تباه و تلف شده‌اند. فقدان مدیریت کارآمدی فراوانی‌ها منجر به کمبودها شده است.

مطابق با آمار جهانی منتشرشده ایران با حجم ذخایر نفتی اثبات‌شده به میزان ۱۵۴ میلیارد بشکه، با کسب رتبه سوم میزان ذخایر در جهان، حدود ۱۰ درصد ذخایر نفتی را در اختیار دارد. همچنین ایران با دراختیارداشتن نزدیک به ۱۷ درصد ذخایر گازی جهان، رتبه دوم جهانی را تصاحب کرده است. به‌علاوه ایران با تملک هفت درصد ذخایر معدنی دنیا از این حیث در مکان دهم جهان قرار گرفته است. اقتصاد ایران طی ادوار گذشته فرصت‌های بی‌نظیری را به‌راحتی از دست داده است. در زمان دولت‌های نهم و دهم میزان درآمد حاصل از فروش نفت ایران قریب به ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. این درآمد عظیم نفتی به‌گونه‌ای اعجاب‌انگیز، کمترین دستاورد را برای اقتصاد ایران به همراه داشته است. عدم رشد مناسب تولید ناخالص ملی، عدم شکل‌گیری مطلوب سرمایه ثابت در اقتصاد از مصادیق بارز سوءمدیریت دوران فراوانی محسوب می‌شود. درحال‌حاضر اقتصاد ایران با کمبود و فرسودگی زیرساخت‌های لازم مانند نیروگاه‌ها، شبکه حمل‌ونقل عمومی و همچنین با کسری در تراز گاز، برق و آب موردنیاز خود مواجه است.

کمبودهای زمان حال را می‌توان در بی‌توجهی به فراوانی‌های گذشته جست‌وجو کرد. بااین‌حال هنوز هم اقتصاد ایران، میزان قابل‌قبولی از فراوانی‌ها را در اختیار دارد. فراوانی منابع نفت و گاز و انرژی، وجود نیروی کار ارزان، برخورداری از هرم سنی مناسب و تحصیل‌کرده، همگی از عواملی هستند که می‌توانند آینده روشنی را برای آینده اقتصاد ایران ترسیم کنند. بی‌توجهی و مراقبت‌نکردن از این فراوانی، می‌تواند کمبودهای جدی را در آینده به ارمغان می‌آورد. سخن آخر اینکه معمولا پیوند و ارتباط نزدیکی میان کمیابی و فراوانی می‌توان مشاهده کرد. خالی‌بودن جیب کشاورز پیش از فصل برداشت به شیوه رفتار او بعد از زمان برداشت قبلی مرتبط است. دانشجویی که مقاله خود را سر موعد تکمیل نمی‌کند، علت مشکل را باید در زمانی جست‌وجو کند که از فراوانی وقتی که در اختیار داشته، استفاده بهینه نکرده است.

در اقتصاد نیز مقطعی که در فراوانی به سر می‌برید، اگر به درستی و با تدبیر از کثرت و وفور منابع و فرصت‌ها استفاده نکنید، به‌زودی دچار کمبود و کمیابی می‌شوید. هر فرد بالقوه دارای استعدادها و توانایی‌هایی است، عدم تبدیل استعدادهای بالقوه به بالفعل باعث می‌شود فرد دچار احساس گناه شود. شخص پیری که توانایی‌های دوران جوانی خود را قدر ندانسته و آن را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل نکرده، حال دچار حسرت و افسوس می‌شود. افراد زمانی مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند که از امکانات و استعدادهای خود به نحو صحیح استفاده نکرده باشند.

یالوم در کتاب روان‌درمانی اگزیستانسیال خود اظهار می‌دارد در آخرت از شما نمی‌پرسند چرا موسوی یا عیسوی نبودی؟ بلکه می‌گویند چرا از داشته‌های خودت خوب استفاده نکردی و آنچه را که می‌توانستی باشی نبودی؟ این روایت شاید قضاوت آیندگان به اوضاع فعلی اقتصاد ایران باشد که ناشی از عدم مدیریت صحیح منابع در دوران فراوانی و ناتوانی در تبدیل امکانات بالقوه به بالفعل است که ماحصل آن ورود به دام کمیابی است.

رمزگشایی از تصمیمات سخت!

ادامه از صفحه اول

در هیچ کجای دنیا و در هیچ اقتصادی قابل فهم نیست که قیمت یک لیتر آب معدنی پنج هزار تومان و قیمت یک لیتر بنزین سه هزار تومن باشد! راهکار چیست؟ چون در کشور دچار افت شدید سرمایه‌گذاری شدیم و نمی‌توان بر روی منابع دولتی حساب باز کرد، یا باید با مولدسازی دارایی‌های مردم (طلا، ارز و زمین) این تأمین مالی انجام شود یا باید با تنش‌زدایی از رابطه با جهان و گذار از پروپاگاندای «امضای سند همکاری و تفاهم‌نامه‌نویسی» به ضرورت «قراردادنویسی»، سرمایه‌های خارجی را برای توسعه این حوزه پای کار آورد. از طرف دیگر قیمت‌گذاری انرژی کنونی تنها مشوق «مصرف» و «تمرکز» بوده و هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای «بهره‌وری» و «عدم تمرکز» و حرکت به سمت توسعه مدهای انرژی تجدیدپذیر ایجاد نمی‌کند. برای ناترازی انرژی باید هرچه زودتر «تصمیمات سخت» گرفت تا «سختی تصمیمات» گذشته دامن کشور و ثبات و امنیت آن را نگیرد: «اصلاح نظام قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی» (متنوع‌سازی قیمت و سبد انرژی و پلکانی‌سازی قیمت آن) و جذب فوری «سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه میادین» اصلی‌ترین راهکارها است.

۲- ناترازی آب و غذا: علاوه بر بحران انرژی که از آنچه به آن فکر می‌کنیم، به ما نزدیک‌تر است، بحران آب و غذا نیز از دیگر ابرچالش‌های فراروی کشور است که نیازمند اتخاذ تصمیمات سخت است. سیاست‌گذاری‌های غلط حوزه آب و کشاورزی در نیم‌قرن اخیر سبب شده تا امروز کم‌آبی که یکی از خصلت‌های تاریخی سرزمین ایران در قرن‌های متمادی بوده و ایرانیان با شیوه زیست با این چالش به‌خوبی آشنا بودند، تبدیل به چالشی بزرگ برای تداوم زیست و بقا در این سرزمین شود. انتخاب «راهبرد خودکفایی» در امنیت غذایی با وجود تداوم نظام بهره‌برداری سنتی و ناکارآمد کشاورزی، عدم روزآمدسازی و ارتقای دانش و فناوری نوین در این حوزه سبب شده تا بخش اعظمی از منابع آبی محدود کشور در حوزه کشاورزی مصرف شود ولی هنوز امنیت غذایی کشور به سبب نبود یا به تعبیر بهتر اجرانشدن الگوی کشت ملی، در مخاطره باشد. علاوه‌براین در سرزمینی خشک و با درجه حرارت بالا، اتخاذ «راهبرد سدسازی» و به‌تازگی «انتقال بین‌حوضه‌ای» برای مدیریت آب‌های سطحی و بی‌توجهی به ضرورت‌های آبخوان‌داری و آبخیزداری و جانمایی درست کانون‌های فعالیتی و جمعیتی با توجه به منابع آب قابل‌برنامه‌ریزی سبب شده تا نظام مدیریت آب در کشور با ورشکستگی قریب‌الوقوع مواجه شود و تنش شدید آبی که امروز گریبان‌گیر بسیاری از روستاها و شهرهای متوسط و کوچک کشور شده، دامن شهرهای بزرگی مانند تهران و مشهد و اصفهان را نیز بگیرد. تفکیک‌نشدن آب شرب و غیرشرب در مصارف خانگی با وجود هزینه بالای تصفیه و تأمین آب شرب در کنار فرسودگی شبکه انتقال آب شهری و روستایی که براساس برآوردها سبب تلف‌شدن ۳۰ درصد آب شرب کشور می‌شود، از دیگر ناکارآمدهای این حوزه است. راهکار چیست؟ اول) در حوزه آب «اصلاح ساختار مدیریت منابع آب در کشور از استانی به حوضه آبریز» و «جلب سرمایه‌گذاری برای توسعه آب‌شیرین‌کن‌ها» و «بازنگری در راهبردهای پیشین سدسازی و انتقال بین‌حوضه‌ای آب» و دوم) در حوزه کشاورزی نیز «گذار از راهبرد خودکفایی به راهبرد خوداتکایی» و «اجرای الگوی کشت ملی» با فراهم‌سازی زمینه‌های قانونی و نهادی و اصلاح نظام بهره‌برداری کشاورزی و شناسنامه‌دار کردن بهره‌برداران کشاورزی از اهم راهکارهای مؤثر هستند.

۳- ناترازی حکمرانی: نظام حکمرانی چه در بخش نرم‌افزاری (سیاست داخلی و سیاست خارجی) و چه در بخش سخت‌افزاری (ساختارها و رویه‌های حکمرانی) درگیر تنگناها و مصائب عظیمی است. ناترازی در حکمرانی به مفهوم تناسب‌نداشتن کیفیت حکمرانی و کارآمدی آن با پیچیدگی و صعوبت مسائل و چالش‌های فرارو است. واقعیت آن است «قدرت حل مسئله» به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی نظام حکمرانی به سبب تعریف‌نشدن حدود و ثغور منافع عمومی و از آن مهم‌تر تعارض منافع میان کنشگران اصلی در تداوم یا برهم‌زدن نظم نامطلوب تا حد بسیار زیادی از بین رفته است. «سرمایه اجتماعی» حکمرانی به سبب غفلت از پی‌ریزی سازوکارها و ترتیبات مربوط به نقش‌آفرینی مؤثر «مردم» (به مفهوم همه آحاد و طیف‌های جامعه) و تواتر مصائبی که معیشت و روح و روان جامعه را در ناامنی و آزار مستمر قرار داده، به‌شدت افول پیدا کرده است. رویه‌های حکمرانی به گونه‌ای در اذهان جامعه به‌ویژه نسل دهه هفتادی و هشتادی بازتاب یافته که فساد، رانت و تبعیض در تاروپود بوروکراسی کشور لانه کرده و اساسا شایسته‌سالاری و امید به تحول و اصلاح امور محلی از اعراب ندارد. نظام حکمرانی به سبب خطاهای راهبردی اعم از تنگ‌نظری‌ها و کج‌سلیقگی‌ها، سیاسی‌کاری‌ها و فقدان نظام انگیزشی مناسب، به‌تدریج در سه دهه اخیر از «نخبگان» و «تحول‌آفرینان» خالی شده و همین امر کارآمدی این دستگاه عظیم کشورداری را به‌شدت تحت‌الشعاع قرار داده است. ازاین‌رو نظام حکمرانی به سبب ناتوانی در نهادینه‌سازی و اجرای سازوکارهای «تولید ثروت» در جامعه، (گاهی ارادی و گاهی غیرارادی) به کاربست سیاست‌های «توزیع فقر» و «توزیع رانت» میان آحاد مختلف جامعه روی آورده است. راهکار رفع ناترازی حکمرانی چیست؟ اول) اصلاح عاجل نظام اداری فربه و ناکارآمد کشور و هوشمندسازی و شفاف‌سازی رویه‌ها و سازوکارها؛ دوم) اصلاح ساختار (حکمرانی) کشور با تکیه بر فعال‌سازی و به‌کارگیری همه ظرفیت‌های انسانی، طبیعی و مادی کشور فارغ از سیاست‌زدگی و در چارچوب منافع ملی؛ سوم) اصلاح ساختار بودجه و حذف سازوکارهای بودجه‌نویسی و بودجه‌ریزی مبتنی بر چانه‌زنی و مصلحت‌اندیشی‌های متعارض با منافع ملی؛ چهارم) اصلاح نظام آموزش و اعمال حکمرانی کشور بر فرایندهای تعلیم و تربیت نسل جدیدی که در یک دهه اخیر و با گسترش شبکه‌های اجتماعی مرجعیت آن از کشور خارج شده است؛ پنجم) اصلاح و انقلاب بنیادین در نظام بانکی با افزایش استقلال و کارآمدی بانک مرکزی در تنظیم سیاست‌های پولی کشور و مدیریت تورم و هماهنگی سیاست‌گذاری «رشد تولید» با «مهار تورم»؛ ششم) اصلاح گلوگاه‌های رانت، فساد و تبعیض در بدنه بوروکراسی کشور و کاهش مداخله نظام حکمرانی در عرصه شخصی و آزادی‌های مشروع و عرفی شهروندان که بی‌شک یکی از اصلی‌ترین پاشنه آشیل‌های نظام حکمرانی و بروز خیابانی نارضایتی‌های اجتماعی منتج از مشکلات اقتصادی است.

یادی از بزرگمهر ۲۰

ادامه از صفحه اول

«شرق»، به نسبت تحولات اجتماعی و سیاسی زمانه خود به‌خوبی مطالبات استان را نمایندگی می‌کرد. گزارش‌ها و پیشنهادهای من گاهی به صفحه اول می‌آمد. از خاطرات آن زمان یک بار با کارت تلفن رفتم اداره مخابرات شهرستان سراوان و با رئیس اداره دلیل چند اختلال تلفن را پرسیدم. پشت اتاق مدیر که نزدیک همان تلفن کارتی داخل اداره بود و اگر پنجره را باز می‌کرد، من را می‌دید! درحالی‌که من گفتم از دفتر روزنامه زنگ می‌زنم! به خاطر گزارش تاریخی راجع به فرهنگ و هنر، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی از من شکایت کرد! تصویر آن شکایت را هنوز دارم؛ اما اصل شکایت راه به جایی نبرد!

همواره از خدمات اجتماعی و پتانسیل‌های فرهنگی می‌نوشتم و زنان را به مشارکت در مدیریت و حضور در عرصه اجتماعی تشویق می‌کردم. با چهره‌های فرهنگی مصاحبه می‌کردم و هنوز در حسرتم که چرا با آن پتانسیل‌های بزرگ، سیستان‌وبلوچستان، با این تابلوها و ظرفیت‌ها معرفی نمی‌شود؟ چرا بعد از ۲۰ سال سفال بزرگ کلپورگان به‌عنوان مظهر تمدن و فرهنگ بلوچ و موسیقی و فرهنگ غنی بلوچ و سیستانی کمتر به عرصه رسانه می‌آید و چرا مشارکت اندک زنان در عرصه اجتماعی زنان این منطقه برای رسانه‌ها سؤال نیست؟ چرا زندگی در مناطق قومی و مرزی مانند مرکز آسان نیست؟ و...؟ گاهی تصور می‌کنم برای رسیدن به این پرسش‌ها باید دوباره به شرق بروم و باز عظمت و دریادلی این مردمان بزرگ را از نو به تاریخ گزارش کنم.

«شرق» فرصت خوبی برای بالفعل‌کردن استعدادها و توسعه سیستان‌وبلوچستان بود؛ اگرچه مانند ماهی بزرگ در سواحل مکران و آن تنگ کوچک نتوانست دوام بیاورد و به اقیانوس تهران بپیوست.

مقاله‌ای نوشتم با عنوان «موانع مشارکت قوم بلوچ» که در بخش گزارش جشنواره مطبوعات داوری شد و برگزیده سوم جشنواره شد. ربع‌سکه بهار آزادی برای من به‌عنوان سرباز، گنج شایگانی بود. در آن مقاله از جبر جغرافیا و اجبار تاریخ در شکل‌گیری محرومیت در بلوچستان سخن به میان آمده است و از شکل‌گیری نهاد در جوامع قومی صحبت شده است.

«شورای شرق» که مجوز سراسری گرفت، نامش به «شرق» خلاصه شد. درواقع از جنینی به دنیای واقعی آمده بود. چند پیش‌شماره را در زاهدان منتشر کردند و من گاهی هم برای روزنامه و هم ویژه‌نامه محلی آن مطلب می‌نوشتم.

دفتر روزنامه که به تهران رفت، سربازی من نیز تمام شد. «شرق» به تهران و من به غرب رفتم؛ اما دل در گرو شرق داشتم و دارم. گرچه دو دهه است در غرب ایران در «سیروان» هستم؛ اما دلم در شرق است، هم «شرق» روزنامه و هم شرق جغرافیا و مردمان خونگرمش که سعادت داشتم خدمتگزار و صدای محرومیت و رنج‌های آنها باشم.

عصر روزنامه‌نگاری حرفه‌ای من با «شورای شرق» آغاز شد و هنوز با «شرق» ادامه دارد. خودم را مدیون «شرق» می‌دانم و سعادت است که هنوز برای «شرق» مصاحبه و یادداشت و گزارش می‌نویسم. نه از آن دل بریده‌ام و نه خود بریده‌ام. از جنین تا جوانی با شرق بوده‌ام. از غربی‌ترین نقطه ایران آمده بودم، شرقی‌ترین شده بودم؛ یعنی قدیمی‌ترین نیروی تحریریه روزنامه «شرق». این را در تهران به «محمد قوچانی» سردبیر اول «شرق» در تهران هم گفتم و شکفتیم از شوق! چنان‌که همین روزها، از آن روزها یاد کردیم!

درنهایت یاد باد که روز آخر سربازی و بعد از تسویه، از سراوان به زاهدان آمدم. ناهار را میهمان علیرضا و حسن رحمانیان و احسان تقوی بودم که استخوان تحریریه بودند. آقای ملکان، امور مالی روزنامه، غایب بود؛ اما تا رسیدن او، همکاران شیرین‌ترین دستمزد مطبوعاتی من را دادند تا توشه همراهم باشد. آنها دوستان دیروز و امروز و فردای من هستند؛ گرچه عاقل بودند و هرکدام سرنوشت غیرمطبوعاتی پیدا کردند و صرفا من به دیوانگی ادامه دادم! بدرود که گفتم، حسن آقا خوابیده بود، قاچی پیتزا روی سفره بود و آهنگ حزین «الهه ناز» بنان فضا را برای اندوهی خاص آماده می‌کرد. کوچه بزرگمهر ۲۰ در زاهدان هوای حزینی داشت و عجیب دلتنگ بود! اما سرنوشت ما همین دلتنگی‌های ممتد و شیرین است.

جدول ۴۵۷۸ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مساوی- خنده بلند- مادر امام جعفر صادق(ع) ۲- عبوس- نوعی ماهی در خلیج فارس- ورم ۳- سراینده مجموعه‌شعر شکفتن در مه- ظرف چایخوری ۴- بهره وام- مهربانی- خداشناس ۵- مهلت‌دادن- دستگاه قدیمی نمایش فیلم- قدم یکپا ۶- نام هموطن آذربایجانی- نقل حدیث- غالب ۷- پنهان‌کردن- مخالف- جامه صافکن ۸- رشته‌ای در موسیقی- شلیک پیاپی گلوله- گاز بالابرنده بالن ۹- همنشین برهمن- معادل فارسی اتوبوس- مشاور ۱۰- بلندمرتبه- سرگردان- زشت و ناپسند ۱۱- کمبود آن موجب بیماری گوآتر می‌شود- پیش‌غذا- غیرقابل انکار ۱۲- متداول- خمیده- تخصصی ۱۳- جمع مکسر مولود- گیاهی از خانواده ریواس ۱۴- مغازه‌دار- بیست‌ویکمین سوره قرآن- مربوط به ذهن ۱۵- مایعی برای خوشبوکردن صورت و بدن- توانا- پیشتاز سه‌رقمی‌ها

عمودی:

۱- یاری‌دهنده- غذای سنتی گیلانی شبیه فسنجان- ویتامین انعقاد خون ۲- بنمای ... که باغ و گلستانم آرزوست- وعده دروغ- یار عروس ۳- بینی- سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی- نویسنده فرانسوی کتاب قرارداد اجتماعی ۴- نیروها- واحد بین‌المللی فرکانس- حشره‌ای شبیه سنجاقک ۵- قائم‌مقام- زهری کشنده ۶- نوعی ماهی استخوانی خوراکی- فالگیر- سخنان بیمار تب‌دار ۷- فرودآمدن- همراه عروس- مقابل رفتن ۸- ضمیر مؤنث عربی- کنایه از به‌خوبی بلد بودن است- شهر خرمای ایران ۹- زیرک و باهوش- شهری در مازندران- آتش‌سوزی ۱۰- ناامید- مبتلا- فرآورده‌های شیری ۱۱- تشخیص‌دادن- از وسایل ارتباط‌جمعی ۱۲- صورت‌حساب- از یاران امام حسین(ع)- آنچه در راه رضای خداوند به دیگری بدهند ۱۳- خاکستر- ستاره دنباله‌دار- عددی دورقمی ۱۴- خوشبوکننده شیرینی- هوشیار و دقیق- سخن صریح ۱۵- از چهره‌های مؤثر حزب نازی- قوی- پسر ناخلف معاویه

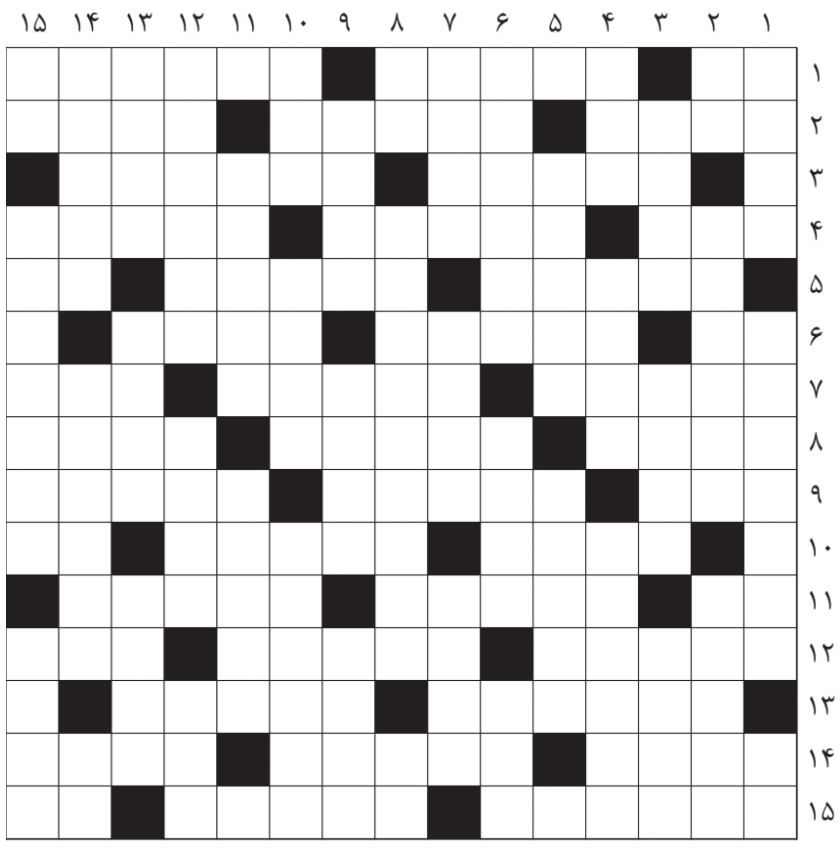

سودوکو سخت ۳۵۷۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۳		۲			۵	۹
۲		۶	۹					۱
	۹							
				۷	۴		۹	
	۷		۵		۲		۸	
	۱		۸	۶				
							۶	
۹					۷	۲		۴
۷	۸			۴		۹		

حل سودوکو سخت

۶	۳	۹	۱	۲	۸	۴	۷	۵
۲	۷	۵	۴	۹	۳	۸	۶	۱
۴	۸	۱	۶	۵	۷	۳	۹	۲
۱	۵	۴	۲	۳	۶	۹	۸	۷
۳	۶	۸	۹	۷	۵	۱	۲	۴
۷	۹	۲	۸	۴	۱	۶	۵	۳
۹	۲	۳	۷	۶	۴	۵	۱	۸
۸	۴	۷	۵	۱	۹	۲	۳	۶
۵	۱	۶	۳	۸	۲	۷	۴	۹

حل سودوکو ۳۵۷۳

۶	۷	۵	۱	۸	۴	۳	۲	۹
۹	۸	۲	۶	۳	۵	۱	۴	۷
۴	۱	۳	۷	۲	۹	۸	۵	۶
۵	۲	۸	۹	۴	۷	۶	۳	۱
۳	۶	۷	۲	۵	۱	۹	۸	۴
۱	۴	۹	۳	۶	۸	۲	۷	۵
۲	۵	۶	۴	۹	۳	۷	۱	۸
۸	۳	۱	۵	۷	۶	۴	۹	۲
۷	۹	۴	۸	۱	۲	۵	۶	۳

سودوکو ساده ۳۵۷۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۴			۶		۹
	۱	۹	۷				۴	
		۵		۹		۳		
۷					۶		۹	
۲	۶			۸			۳	۵
	۹		۵					۲
		۸		۶		۴		
	۴				۲	۹	۸	
۵		۷			۹			

حل جدول ۴۵۷۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	س	ت	ق	ر	ا	ض	■	ل	ج	ا	م	■	ب	ا
۲	خ	ا	ل	■	ب	و	ر	ر	س	ا	ل	■	چ	ر	م
۳	ت	ر	ا	ز	و	■	ب	ه	ی	ن	ه	■	س	ا	ی
۴	■	ن	ش	ی	ب	■	ت	ر	ک	ی	ز	■	ی	ن	ب
۵	ک	ک	■	ا	ی	ل	ی	ا	■	س	ر	ا	م	د	■
۶	ل	■	م	ر	ت	ب	■	ب	ا	ت	و	ن	■	ا	ک
۷	ه	و	ی	ت	■	ا	ش	پ	ز	■	د	و	ز	خ	ی
۸	م	ز	ه	■	ا	س	ت	و	ا	ن	ه	■	ق	ت	ل
۹	ن	ا	ن	د	و	■	ا	ر	د	و	■	ن	و	س	ا
۱۰	د	ر	■	ک	ا	ر	ب	ن	■	ب	ا	ر	م	■	ن
۱۱	■	ت	ق	ا	ر	ب	■	ا	ه	ل	ی	ت	ک	■	ه
۱۲	د	خ	ا	ن	■	ا	غ	ظ	م	■	ک	ی	و	ی	■
۱۳	ر	ا	ی	■	م	ب	ا	ر	ز	■	ا	پ	ا	چ	ی
۱۴	ب	ن	د	ی	ل	■	م	ی	ا	ن	ی	■	ق	ر	ا
۱۵	ا	ه	■	م	ت	ق	ی	د	ی	و	س	ف	ی	د	■